

### متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و ششم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 2 بهمن 1387

#### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که چند جلسه است که اخبار در باب را بررسی مس کنیم؛ تا الان سه گروه را بررسی کردیم. گروه اول سنجه ثقه بودن را مطرح کرد. گروه دوم سنجه های مثل شیعه بودن، صادق بودن، کثیر القم فی امرنا و... مطرح شد. در گروه سوم عرض شد از برخی روایات بر می آید که اصل اولی در روایات پذیرش آنهاست البته ما یک فتامل داشتیم به اینکه استفاده چنین اصلی مشکل است.

گروه چهارم: روایاتی است که جریان نفر را مطرح می کند منظور همان جریان آیه است؛ شای ما 20 یا 30 روایت داشته باشیم که می فرماید احکام را بگیری و به دیگران برسانید؛ در بخشی از روایات آمده شاهد به غایب برساند یک عده روایات در ذیل من یتق الله يجعل له مخرجا یرزقه من حیث لا یحتسب ... مطرح شده است و مفادش این است که یک کسی می رود درس می خواند و می آید دیگران را ارشاد و راهنمایی می کند این روزی من حیث لا یحتسب است.

نحوه دلالت این روایات بر مقام: این طور نبوده که اشخاص گروهی تبلیغ بروند بلکه اشخاص به طور فردی می رفتند احکام و معارف را یاد می گرفتند و می آمدند به دیگران می گفتند و احدی هم نمی گفت این خبر غیر متواتر است و... به همان خبر ثقه اعتماد می کردند.

گروه پنجم: ما یک طیف وسیعی از روایات داریم که حکایت از یک سخت گیری طبیعی می کند این روایات دلالت دارد که روایات ما بعد از یک برهه تاریخی مهذب شد. در این برهه روایات تقیه ای از غیر تقیه ای جدا شد روایات معصوم علیه السلام از غیر آن جدا شد. عمده روایات ما از صادقین علیهما السلام است و این دو امام چون شاگردانی از همه مسالک داشتند لذا در بین روایات، روایت تقیه ای وجود داشت اما از زمان امام رضا علیه السلام روایات تنقیح شد.

به عنوان نمونه: یونس بن عبد الرحمن می گوید آیت العزاق فوجدت بها قطعة من اصحاب ابی جعفر علیه السلام متواترین فسمعت منه واحداً واحداً و اخذت کتبهم فعرضتها بعد علی الرضا علیه السلام فانکر منها احادیث ( حضرت یک احادیثی را رد کرد و برخی را قبول کرد)

از این روایت و امثال آن فهمیده می شود که روایات شیعه تنقیح شده است و همچنین از این روایات معلوم می شود که از چه کسی احادیث را بگیریم یا نگیریم.

استاد: در این گروه می بینیم که تعبیری وجود دارد به اینکه حضرات فرمودند در هر نسلی خداوند برای ما عالمان عادل قرار داده است که جلوی غلو گرفته شود جلوی انحرافات به مذهب گرفته شود و...

ببینید دوستان عرض شد که حدود 180 روایت وجود دارد من وقتی این روایات را نگاه کردم این پنج گروه را اصطیاد کردم. به نظر شما برای رسیدن به جمع بندی چکار باید بکنیم؟ یا باید بگوییم این روایات متواتر است یا بگوییم بین اینها اخبار محفوف به قرینه است یا بگوییم بین اینها روایاتی که از معصوم صادر شده باشد و اطمینان آور باشد وجود دارد. یا اگر مبنای ما حجیت اطمینان باشد باز هم حصول اطمینان از این روایات ممکن است.

استاد: به نظر شما آیا اطمینان یقین داریم که این روایات بعضی هایش از ائمه علیهم السلام صادر شده است یا نه؟ آیا تواتر اجمالی از این روایات فهمیده می شود؟ استاد: انصافاً از این 180 روایت یقین به تواتر اجمالی فهمیده می شود یا اخبار واحد محفوف به قرینه قطعیه فهمیده می شود و اگر هم کسی مبنایش اطمینان باشد انصافاً از این روایات اطمینان حاصل می شود.

البته باید ببینیم که قدر متیقن روایات چیست؟ در اینجا مذاهبی پدید می آید یکی میگوید قدر متیقن خبر ثقه است (اقای حکیم) دیگری می گوید خبر عادل ثقه (آقای خویی) دیگری میگوید خبر موثوق به، ولی واقعه این است که اگر انسان دقت بکند به همان کلام مشهور می رسد که همان حجیت خبر ثقه است.

قدر متیقن از روایات، یعنی آن چیزی که می توانیم ما به روایات نسبت دهیم.

در اینجا یک موجی از شبهه به وجود می آید. 1: چطور شما و با کدام جرئت ادعا می کنید که حاصل روایات حجیت خبر ثقه است؟ با اینکه تعبیری مثل شیعه بودن و کثیر القدم فی امرنا و... در روایات دارد.

استاد: یکی از تعبیرها مامون علی الدین و الدنیا بود وقتی به لغت مراجعه می کنیم مامون را همان ثقه تعبیر می کند. لسان العرب مامون را مقابل مخوف منه می آورد بلد امین در مقابل بلد مخوف منه است شهر امین در مقابل شهری است که انسان از آن خوف دارد یا از امنیتش خوف دارد یا از تهاجم فرهنگی و...

وقتی میگویند خبر ثقه رو قبول کنید منظور این نیست که ببینیم نماز صبح می خواند یا نه .

در آن روایت که امام علیه السلام فرمود روایت را از شیعه اخذ کنید منظورش این بود که روایات معارفی ما را از خائنین نگیرید یعنی سراغ غیر شیعه در اعتقادات نروید. باید توجه کرد که این در مورد اخبار اعتقادی است نه غیر آن لذا این روایات اشکالی به مدعای ما وارد نمی کند. اما در روایت های غیر اعتقادی حضرات در مورد بنو فضال فرمودند: خذوا ما رووا ذروا ما رأوا ... یعنی به نقل آنها اعتماد کنید ولی اعتقاداتشان را اخذ نکنید. سکونی را به عنوان ناقل حدیث بپذیرید اما به عنوان صاحب اندیشه نپذیرید. اصلاً اگر روایاتی که قید شیعه بودن دارد موضوعیت هم داشته باشد باز هم با روایاتی مثل خذوا ما رووا... تعارض می کند و ما باید بین اینها جمع کنیم.

استاد: آنچه به نظر ما می رسد قید ثقه بودن است و بیشتر از این دلیل ندارد.

**و الحمد لله رب العالمین**